

رادیکال کردن اعتراضات به نفع چه کسی است؟

ویرانی طلب‌ها علیه اصلاح وگفت‌وگو



فرهیختگان راو چند بار به این شبیوه غش کرده بود، «جزئیاتی از تمام ماجرای مهسا امینی»، «تجمع اعتراضی در خیابان حجاب تهران»، «همه ماجرای فیلم»، «مجلس به دنبال اصلاح شبیوه گشت ارشاد» و«کثافت گشت ارشاد را جمع کنید»... اینها عباراتی است که این چند روز زیاد در فضای مجازی دیده یا شنیده شده اما پشت هریک از این عبارات، تحلیلی از جریان ها و شخصیت‌های سیاسی وجود دارد. تحلیل‌هایی که نه تنها راه‌حل مساله ناگوار اخیر نیستند بلکه حتی هیزمی بر آتش این مساله نیز شده‌اند. تا جایی که طی روزهای گذشته در جریان اعتراضات به مرگ مهسا امینی اقدامات رادیکالی چون آتش زدن پرچم، ریختن گازوئیل در معابر، پرتاب سنگ، حمله به پلیس و آتش زدن او، حمله به خانم چادری و برداشتن حجاب او، آتش زدن موتور و سطل زباله و تخریب اموال عمومی صورت گرفت. این گونه اقدامات در ابعاد بسیاری قابلیت پرداخت دارد، یکی از منظر اینکه چه تحلیل‌ها و شخصیت‌هایی فضای اعتراضات مسالمت‌آمیز را به سمت فضای رادیکال سوق دادند، دوم آنکه تبعات این گونه اقدامات چه مواردی می‌تواند باشد و تا چه میزان مطالبات مردمی را محقق می‌کند. در ادامه گزارش به این دو مورد به‌صورت مفصل می‌پردازیم.

۱. احتراق گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز

در اغلب اعتراضات مردمی، برخی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی سعی می‌کنند تا با موج‌سواری بر اعتراضات، نتیجه را مصادره به مطلوب کنند و اصل مساله‌ای که علت اعتراض واقع‌شده به حاشیه برانند. اعتراضات چند روز اخیر در پی مرگ مهسا امینی هم از این قضیه مصون نمانده است. گروه‌های مختلفی به این مساله ورود کردند که با ورودشان نه تنها اعتراضات را به سمت گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز سوق ندادند، بلکه حتی فضای اعتراضات را تاحدی رادیکال کردند که بایی برای گفت‌وگو باز نماند. در این گروه‌ها، سه دسته رویکرد متفاوت وجود دارد.

۱. رویکرد رادیکال‌ها

پنجشنبه هفته گذشته با انتشار خبر به کما رفتن دختری جوان که توسط پلیس امنیت اخلاقی به مرکز پلیس منتقل شده بود، موجی از کمپین‌ها در اینستاگرام آغاز شد. استارت این کمپین‌ها توسط اصلاح‌طلبان با عنوان «همه بگویم: کثافت گشت ارشاد را جمع کنید» زده شد. استعمال این نوع ادبیات در شروع یک اعتراض، تبعاتی داشت که روزهای اول اعتراض خود را نشان نداد اما روزهای بعد، این همه بگویم کثافت گشت ارشاد را جمع کنید، به «همه پرچم ایران را به آتش بکشید و اموال عمومی را تخریب کنید» تبدیل شد. این نوع رادیکال کردن فضا که تخصص برخی از اصلاح‌طلبان تندرو است، مسبوq به سابقه است، چنانچه در ماجرای قبلی گشت ارشاد و اعتراضات صورت گرفته به گشت

۱ گفت‌وگو

محمود علیزاده طباطبایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

حضور در تجمعات هم به نظام ضربه می‌زند و هم به مردم

در چند روز اخیر تعدادی از مردم که متأثر از مرگ مهسا امینی هستند در واکنش به این اتفاق تجمعاتی را برگزار کرده‌اند. برخی اما با دست‌آویز قراردادن این اتفاق از فضای به وجود آمده به دنبال بهره‌برداری بوده و اقدامات خرابکارانه را در دستور کار قرار داده‌اند در گفت‌وگویی که با محمود علیزاده طباطبایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب داشته‌ایم، به بررسی پیامدهای این چنین اقداماتی پرداخته‌ایم. علیزاده معتقد است: «حضور در این تجمعات هیچ نتیجه‌ای ندارد. هم به نظام لطمه می‌زند، هم به مردم. کما اینکه در سال ۸۸ این اتفاق افتاد.» در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

۱۱۱

تنش‌ها و آشوب‌های کنونی آیا فضای ایجاد تفاهم و حل مساله را از بین نمی‌برد؟

یکی از وزرای سابق دیروز به من زنگ زد و گفت دختر و داماد من از آنجا رد می‌شدند که آنها را دستگیر کرده‌اند. خب معلوم است که رد نمی‌شدند. خیلی‌ها الان با تبلیغاتی که در فضای مجازی وجود دارد در اعتراضات به عنوان تماشاچی حضور پیدا کرده، تحت تاثیر قرار می‌گیرند و وارد این برنامه‌ها می‌شوند. یک‌عده هم افرادی هستند که با نیروی انتظامی درگیر می‌شوند و مشخص است آموزش دیده و سازماندهی شده می‌آیند و نیرو را دستگیر کرده و از جمع جدامی‌کنند و به آن شدت مورد ضرب‌وجرح قرار می‌دهند. اینها عواملی هستند که حساب‌شده می‌آیند و این وظیفه دستگاه اطلاعاتی است که آنها را شناسایی کند. نیروی انتظامی مگر کیست؟ اینها هم از همین مردم هستند. به نظر من برخورد خشونت‌آمیز، خشونت را زیاد می‌کند. من به دانشجویهای خود هم گفته‌م که حضور در این تجمعات هیچ نتیجه‌ای ندارد. هم به نظام لطمه می‌زند، هم به مردم. کما اینکه در ۸۸ این اتفاق افتاد. وقتی زخم ایجاد شود معلوم است که روی این زخم مگس می‌نشیند. نباید بگذاریم این زخم ایجاد شود.

در چند روز اخیر شاهد بودیم برخی چهره‌های سیاسی که در گذشته موضعی در دفاع از گشت ارشاد داشتند امروز به ناگهان خلاف این موضع کنش سیاسی نشان می‌دهند. این تغییر موضع چگونه قابل تفسیر است؟

به هر جهت آدم سیاسی متناسب با موقعیت سیاسی کشور تصمیم می‌گیرد. آدم سیاسی می‌خواهد از موقعیت سیاسی استفاده کند. ممکن است یک‌زمانی یک جور فکر می‌کرده و امروز جور دیگری فکر می‌کند.

شبیوه صحیح بیان مطالبات و حل این مسائل باید چگونه باشد؟

در قانون اساسی صراحتاً قید شده است که تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه محل مبانی اسلام نباشد آزاد است. قانونگذار این اصل را پیش‌بینی کرده تا کسانی که معترض هستند و می‌خواهند اعتراض‌شان را بیان کنند ضمن کسب مجوز این کار را بکنند. باید این را بپذیریم هر معترض و مخالفی که در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی می‌خواهد اعتراض کند نباید از کمیسیون ماده ۱۰ وزارت کشور مجوز بگیرد و مسئولیتش را هم کسی که مجوز می‌گیرد باید بپذیرد. در این صورت دیگر نیازی به پلیس امنیت نیست؛ چراکه مردم اعتراض خود را مطرح کرده و به خانه خود بازمی‌گردند. آن‌وقت هر کس خارج از این چهارچوب وارد شود باید با او برخورد شود.

مسائل اجتماعی را حل اجتماعی دارد. مسائل اجتماعی باید به‌عنوان یک معضل مورد مطالعه قرار گرفته و یک عده جامعه‌شناس باید نشست و مسائل را حل کنند. راه‌حل، راه‌حل امنیتی نیست.

ارشاد هم، چنین لفظ‌هایی دیده می‌شود. اغتشاش به گونه‌ای بر فضای اعتراضی غالب شده که حتی مطالبه اصلی معترضان از متن به حاشیه کشانده و منجر به انسداد مسیر اعتراضی شده است. شعارها در ابتدا «زن، زندگی، آزادی» بود، اما کم‌کم زن و آزادی و زندگی هر سه حذف شد تا جایی که وقتی زنان محجبه در حال عبور از محل اعتراضات بودند، مورد تعرض قرار گرفتند تا حجاب‌شان را بردارند. یا درمورد دیگری مامور پلیس را به آتش کشیدند و مشغول هلله‌لله شدند. حالا که وضعیت این گونه شده، همان کسانی که شعار رادیکال «کثافت گشت ارشاد را جمع کنید» سر می‌دادند، به این فکر افتاده‌اند که چرا اعتراضات مسالت‌آمیز به خشونت کشیده شده و مطالبات شنیده نمی‌شود. البته اینها تنها رُست‌فکر درباره نشنیدن صدای مردم است وگرنه اصلاح‌طلبان بیش از هر کسی فرجام لفاظی‌های رادیکال خود را می‌دانند؛ چرا که در تاریخ نمونه‌های این چنینی زیاد بوده است. در موارد مشابه بسیاری نه تنها راهکاری عملیاتی برای حل مساله گشت ارشاد ارائه ندادند بلکه حتی طوری فضای گفت‌مانی و اعتراضاتی را متشنج کردند که روزنه‌ای برای ورود اپوزیسیون‌ها به این قضیه باز شد. نمود این مساله را در فراخوان رسانه‌های معاند خارجی می‌بینیم. درست زمانی که شعار «کثافت گشت ارشاد را جمع کنید» به اعتراضات شکل می‌داد، فراخوانی گسترده توسط رسانه‌های معاند خارجی برای سوءاستفاده از موضوع درگذشت مهسا امینی داده شد. از

عصر دوشنبه تا به امروز تجمعاتی در شهرهای مختلف شکل گرفته، تجمعاتی که دست‌انوز معاندان بود تا مطالبات مردمی. اکنون مطالبه مردم بر زمین مانده و میان دار اعتراضات، اغتشاشگران شده‌اند.

۲ رویکرد منفعت‌طلبان

دیروز و امروز و فردا، سه موقعیت زمانی است که مواضع برخی از سیاسیون متأثر از آنهاست، به‌طوری‌که دیروز بنابر مطامع و منفعت سیاسی یک موضع داشتند و امروز با تغییر منفعت، یک موضع دیگر. احتمالاً فردا هم موضع متفاوتی خواهند داشت، اینها از آفات اقتضاگرایی و منفعت‌طلبی است اما مشکل اینجاست که همه این آفات متوجه شخص موضع گیرنده نمی‌شود بلکه به شکاف یک مساله یا مشکل موجود دامن می‌زند آن‌هم بدون آنکه راهکاری در پیش داشته باشد. در ماجرای ناگوار مرگ مهسا امینی و موجودیت گشت ارشاد، افرادی چون علی مطهری و مسعود پزشکیان در این جرگه گنجانده می‌شوند، افرادی که دیروز درباره گشت ارشاد یک موضع داشتند و امروز موضعی دیگر. علی مطهری و مسعود پزشکیان که هر دو در مجلس نهم، نماینده بودند، سال ۹۰ طرح سوال از رئیس‌جمهور وقت، محمود احمدی‌نژاد را به خاطر عدم برخورد با بدحجابان و مخالفت با گشت ارشاد امضا کردند. منفعت آن زمان علی مطهری تخریب چهره رقیب سیاسی خود یعنی احمدی‌نژاد بود، از این رو در آن سال از احمدی‌نژاد در مجلس سوال کرد چرا

به‌عنوان مقام اول دولت اسلامی با هنجارشکنان و بدحجابان برخورد نمی‌کنید و در تریبون صدواسیم با گشت ارشاد مخالفت می‌کنید؟ حال در پی درگذشت مهسا امینی، علی مطهری و پزشکیان رُست مخالفت با گشت ارشاد گرفته‌اند و فیلم انتقادی‌شان را با آب‌وتاب پخش می‌کنند. این نوع رفتار، نهایت سوءاستفاده از افکار عمومی جهت رسیدن به مطامع شخصی و سیاسی است. البته سوءاستفاده از افکار عمومی توسط اصلاح‌طلبان منفعت‌طلب سابقه‌ای دور و دراز دارد، در سال ۱۳۸۵ و زمانی که رئیس‌جمهور وقت دستور حضور زنان در ورزشگاه‌ها را صادر کرده بود، تیتراها و تصاویر صفحات نخست روزنامه‌های منفعت‌طلبان به مخالفت با این تصمیم اختصاص داده شده بود اما همین چندی پیش سر ماجرای ورود زنان به ورزشگاه مشهد، اصلاح‌طلبان تغییر رویکرد دادند تا بتوانند منفعتی کسب کنند.

۳ رویکرد توجیه‌گران

گذشته از اصلاح‌طلبان و منفعت‌طلبان که فضای مسالمت‌آمیز گفت‌مانی را به حاشیه برده‌اند، دسته دیگری هم وجود دارد که با مواضع سرسخت خود راه گفت‌وگو را بسته‌اند. آن‌ها معتقدند گشت ارشاد فعلی بهترین رویکرد برای مقابله با بدحجابی است و گزینه دیگری وجود ندارد. این درحالی است که رئیس‌مجلس یازدهم و بسیاری از مسئولان دره‌بالای کشوری، خود اذعان داشتند

امان‌الله قزایی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه شهید بهشتی در گفت‌وگو با فرهیختگان:

با رفتارهای عاطفی و رادیکال مفاهمه‌ای برای حل مساله صورت نمی‌گیرد

نمی‌کنند. به هر حال یک دختر ما به هر دلیلی در مرکز پلیس امنیت اخلاقی فوت کرده است آیا این اتفاق یک ضرر برای کشور محسوب نمی‌شود؟ آیا این اتفاق در ارتباط بین مردم و دولت ایجا قرابت می‌کند؟ باید ببینیم روش فعلی سود بیشتری دارد یا ضرر بیشتری؟ این روش کار را من نمی‌بینم. چرا باید چنین آشوبی به راه بیفتد که آبروی نظام از داخل و خارج مورد حمله قرار گیرد.

چه ایراداتی باعث شده تا شاهد چنین نتایجی باشیم؟

بسنده به روش کار ایراد دارم. به قانون هم ایراد دارم. اصلا حجاب چه چیزی است. آیا از حجاب تعریف واحدی وجود دارد. وقتی از حجاب تعریف واحدی وجود نداشته باشد برچه مبنایی دختران بی حجاب تشخیص داده می‌شوند. چون تعریف واحدی نیست هر فرد با اسودا و بی سواد به سلیقه خود هر طور که می‌خواهد حجاب را رعایت می‌کند. اول باید تعریف واحدی توسط علمای دین که در این باره متخصص هستند ایجاد شده و بعد این تعریف به قانون تبدیل شده و توسط افرادی مورد اعمال قرار گیرد که دارای تخصص باشند. نکته دارای اهمیت دیگر روش و شیوه به کارگیری قانون است. قانون برای ادیت‌وآزار مردم به وجود نیامده است. قانون از ارزش‌ها و هنجارها مایه می‌گیرد و برای رفاه و راحتی حال مردم وضع می‌شود. نمایندگان ما به پس و پیش قانونی که درباره حجاب تصویب کرده‌اند نیندیشیده‌اند و حال با یک قانون مبهم پلیس را در مقابل مردم قرار داده‌اند. قانون گذاران تمام جوانب را در نظر نگرفته‌اند و باید در نتیجه نظر علما تعریف واحدی از حجاب ارائه دهند. کسانی که افراد را به مرکز پلیس امنیت برده و افراد را مورد پرس‌وجو قرار می‌دهند نیز تحصیلات و تخصصی در این زمینه ندارند. این موارد باعث شده کشور متضرر شود، شکاف بین مردم و دولت افزایش یابد و شاهد اعتراض و اعتصاب مردم باشیم.

اگرچه قانون فعلی کلی بوده و تعاریف دقیقی در آن ذکر نشده است، اما کم‌آسب‌ترین شیوه به کارگیری آن چیست؟

روش مطلوب به کارگیری قانون فعلی این است افرادی در پلیس امنیت اخلاقی به کار گرفته شوند که دارای تحصیلات عالی و تخصصی در زمینه برخورد با ناهنجاری‌ها باشند. هر یک از بخش‌های مختلف کشور فرهنگ خاص خود را دارد و آن فسردی که در پلیس امنیت فعالیت می‌کند باید علاوه بر درک درست از ویژگی‌های خلقی طرف مقابل، از جامعه‌پیرامونی خود نیز شناخت داشته باشد تا در نهایت تصمیمات و رفتار احساسی از خود بروز ندهد، بلکه

ادراکی عمل کند یعنی پس و پیش و نتایج کار خودش را بتواند پیش‌بینی کند و بداند که اثرات رفتارش بر افراد چیست. این امر زمانی محقق می‌شود که افرادی را به کار بگیریم که در زمینه روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی و حتی جامعه‌شناسی توانمند باشند.